

دین باستانی کرد

بقلم (ج.ر.)

«پیش گفتار»

آقای توفیق وهبی دانشمند بزرگ کرد عراق که سالها در عراق وزیر فرهنگ و عضو مجلس سنا بوده در سال ۱۹۴۱-۱۹۴۲ میلادی زنجیره گفتارها متعلق بریشه زبان کردی ، و دین باستانی کرد ، در مجله گلاویژ بزبان کردی نوشته ، و آن را در مجله «گلاویژ» (۱) بزبان کردی منتشر ساخته سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۵م از آقای جمیل روزبانی (روزبانی) از با سوادان کرد عراق خواهش نموده بود که آن زنجیره گفتار را بزبان عربی ترجمه نماید ، و آقای روزبانی خواهش ایشان را اجابت ، و آنرا بعربی ترجمه نموده بود . در این روزهای اخیر . مترجم نام برده که در آن هستند ، و خواستکار آن بودند که خدمتی بزبان نژاد آریائی خود نمایند ، قسمت متعلق بدین کرد باستانی را بفارسی ترجمه نموده ، و بر آن پاورقیهای نوشته ، این گفتار ، قسمتی ، از آن کتاب میباشد که نام او «دین باستانی کرد» است .

ما آنرا بخوانندگان گرامی تقدیم مینمائیم . و خواهشمندیم در این موضوع هر تصحیحات و تبدیلاتی مقتضی باشد دریغ نفرمایند . «مهر»

۱- هندو اروپائی : - Indo urópeenne

اقوام هند و اروپائی (۲) در روزگاران ما قبل تاریخ . در مرز بوم خود (۳) نیروهای سرشتی (قوای طبیعی) مانند : «خورشید • ماه • ستارگان • باران • آذرخش • آتش ... و غیره» را پرستش میکردند . و پرستیده خود را «دیوس» (۴) مینامیدند که بمعنی تابنده و درخشان است .

این دیوسهای (۵) پرستیده بردونوع بودند ، برخی از ایشان در عین حال که بخشنده ناز

(۱) مجله گلاویژ سابق در بندهاد بزبان کردی چاپ میشد ولی اکنون نمیشود و معنی آن شرای یمانی میباشد.

۲- مجموعه ملل آریائی نژادی بودند که زبان و آئینشان با هم نزدیک بود (ج.ر.)

۳- گمان میرود : در شمال ماوراءالنهر و دریای خزر همین بسته ، سپس بنقاط دیگر مهاجرت نمودند .. (ج . ر)

۴- محتمل است و ازهای «ضوء . ضیاء . ضحی» در زبان تازی پیوستگی بریشه «دیوس» داشته باشد (نگارنده کردی) .

۵- دیوس : با فاء سه نقطه - که در زبان کردی مستعمل است - نوشته شده بود . که این حرف نه تنها در فارسی کنونی پیدا نیست . بلکه متاسفانه بین آن ، و اوا فرقی نگذاشته اند. (ج . ر.)

ونعمت بودند ، پشتیبان و نگهبان روش و خوی نیک نیز بودند . برخی دیگر، زورمند و چیره و خشمناک و زبردست بودند.

این نام «دیوس» تا روزگاران مابعد کوج و مهاجرت ملل هند و اروپائی و پراکنده شدن ایشان ، در سرزمینهای اروپا و آسیا ، مفهوم خود را نگه داشته و مدلول خود را از دست نداده بود ...

مثلا در لاتین «دوس deus» . و درالاندی قدیم ، «دیا dia» و در جرمنی خاوری باستانی (توتنی) ، «زیوا - zio» «یاتیو - iu» . و در پررسی گذشته (لیتوانی) : «دئوس dévas» و در سانسکریت : «دیوا devah» . و در ایرانی کهنه : «دئیوه léva» نامیده اند . (۱) . و مدلول و مفهوم این گویشها همه یکی است . آن پرسته است (معبود) .

همه این واژه ها از واژه «دیوس» ریشه گرفته اند . و نیز واژه های «دیو - dier» در زبان فرانسی (۲) . و «دیتی deity» در انگلیسی با همین ریشه بنیادی پیوستگی دارند .. زردشت (۳) در نامه آویستا (۴) دئیوه را شیطان انگاشته و پلید شمرده ، و پرستش آن را ناروا دانسته است .

این واژه «دئیوه» در پهلوی شکل «دیو dev» را داشت . که امروز «دیو» خوانده میشود و عرض از او «شیطان» میباشد .

سرآمد و مهمترین این خدایان (دیوسان) اقوام هند و اروپائی «دی یوس» نام داشت که معنی آن «آسمان» است . این آسمان خدا *Djauh* «کارهای نیک را انجام میداد .

گوش «دی یوس» از ریشه «دیو» مصدری آمده ، همچنانکه واژه های «دیاسوس پیتر *Dvauh pitar*» حالی هندیها ، و زئوس یا *Zeus pater* «یونانیها و ژوپیتر *Jupiter*» رومیها از همین دی یوس میباشد ، که معنی آن آسمان پدراست .. علاوه بر آنچه گفته شد ، اقوام هند و اروپائی . روان پدران و نیاگان خود را نیز پرستش می نمودند .

۱- بگمان من واژه های «داو» «داود» «داود کوسوار» که در نزد ایل «کاکائی» کرد ، ستوده میباشد یادگار همین دین است . و در کردستان نیز وجود جایهای بنام «دیوزنان» این گمان را استوار میسازد .

۲- با اینکه در زبان فارسی واژه «فرانسه» را بی بای نیست مینویسند . لکن بگمان من «فرانسه» که نام کشور میباشد ، نبایستی بی بای نسبت ، صفت زبان شود .

۳- زردشت . زرتوشتره *Zarathu sbira* پیغمبر بزرگ ایران در حدود ۶۶۰ ق . م دیده بجهان گشوده و در بیست سالگی گوشه گیر شده . در سی سالگی از سوی خدا به پیامبری فرستاده شده ، جای بعثت بدرستی در بالای سیلان نزدیک دریاچه «ارمیه» بوده . کردها و ویرا از قصبه سردشت دانسته اند . از اینجهت ملت کرد او را پیغمبر خود میدانند . زردشت در عمر چهل و دو سالگی یعنی ۶۱۸ ق.م کی گشتاسب را بکیش خود گروانیده سپس از همین خود بسوی «بلخ» کوچ کرده . و در سال ۵۸۳ ق.م . در سن هفتاد و هفت سالگی از جانب لشکریان «ارجاسپ» تورانی بشهادت رسیده . نام پدرش «پوروشسپ» و نام مادرش دودو (دوغدو) بوده .

۴- نام کتاب مقدس ایرانیان است و بمعنی متن یا قانون است ، که از جانب زردشت بمردم ابلاغ شده ، و تدوین آن در اواسط قرن پنجم ق.م . صورت گرفته . (ج ر.)

۲- دین کهن هندوایرانی :

ملل «هندوایرانی» پس از جدا شدن از گروه بزرگ «هندواروپائی» که قبل از آن نزدیک بدو هزار سال با هم زیسته بودند - دینشان چون زبان و آئین و عاداتشان ، رنگ و شکل نو مخصوص بخود یافته بود ، از دانسته‌های حاصله از ادیان کهن ایرانی چنین برمی‌آید :

که دین کهنه هندوایرانی با دین «ویدائی هند» (۱) پیوستگی و خویشی بسیار نزدیک و استوار داشته است . بدین سبب باید : دیرینه و آثار هندو ایرانی گذشته را در «ریگ ویدا Rigvéda» های هندی که کهنه‌ترین نامه‌های دینی میباشند و نیز در «زمزمه» های (۲) آن که نزدیک بهزار و پنچ سال قبل از زاده شدن مسیح (ع) گردآوری شده . و همچنین در آن دسته از دینهای باستانی ایران که دانش ما بآن پی برده است - جستجو نمود ...

چنانکه آشکار است ، در دین گذشته هند و ایرانی خدایان بدین ترتیب بوده‌اند :

الف - خداوند بزرگ نیکوکار : دیوس پیترا (۳) = آسمان پدر = آسمان خدا» بوده .

ب - دیوان «دیوسها» یعنی نیروهای سرشتی (قوای طبیعی) که صورمادی ملموس یافته بودند .. اینان یا قوای خیر و نیکوکار بودند ، یا قوای زشت و بد کردار بودند ... مثلاً نیروهایی که نیازهای مردم را بر می‌آوردند و موجب بختیاری بشر میشدند ، نیکوکار بودند . و نیروهایی دیگر که زندگی را ب مردم تلخ می‌کردند و بمصالح و منافع بشر زیان میرساندند ، زشت و بدکار و قوای شر بودند ، نباریدن باران ، خشک سالی ، زمستان سخت ، کمی خواروبار ، گرسنگی ، کیج خلقتی ، و پیدایش بیماریها و امثال این کردارهای ناشایسته از ایشان بود ..

ج - در همان وقت . بر خدا نام دیگری اطلاق میشد . که آن «آهوره Ahura» ی آوستائی (یا آسوره Aúra) ی ویدائی) بود . و معنی آن «پیدای بزرگ ، سرور یگانه ، بی‌هتا ، پروردگار ... و غیره» میباشد ،

بنیاد واژه «اهوره» (اهو- Ahu) ی مصدری (یا اسو Aou- سانسکریتی) میباشد ، که بمعنی هستی و پیدایش است . این اهوره (اسوره) نامی بود ، بخدایان بزرگ داده میشد که پاسبان و نگهدار عقائد و سرشت و خوی نیک مانند (درستی ، راستگویی ، داد ، پیمان داری ، ... و غیره) بودند .

مثلاً ، دیوس = آسمان پدر ، و میترا (Mithra) ؛ نگهبان پیمان و مهر بودند .. همانا آتش خدا (۴) یکی از این (اهوره) (۵) (یا اسوره) ها بود . (۶)

۱- ویدا : از ریشه ویدسانسکریتی آمده . که بمعنی دانستن است . یا کتنامه‌های ویدائی ؛ چهار نامه باستانی هندیهاست که پیوستگی بدین برهمنی دارد : «A ha va yajur Sama rig» و سرودهایی هستند که باوزان گوناگون درباره خدایان مختلف و متعدد گفته شده‌اند ...

۲- سرودهای مذهبی که مفاد آنها در هنگام ستایش خدا و شستن بدن و خوردن خوراک و کارهای دیگر بر زبان میرانند ..

۳- در ریگ ویداها : بنام «دیا اوه Dyaub» شناخته میشد ، که بمعنی آسمان صاف محیط عالم بود ...

۴- باید غرض نگارنده از آتش خدا یا رب‌النوع آتش (آذروان Atharvan) و یا (اگنی Agni) باشد ، که آتش مقدس است .

۵- غرض از اهورهها خدایان بزرگ است (ج.ر)

۶- شکفتا آسوره (یا اهوره) ی که در ویداها بآن لقبهای (وارونه . میترا . اگنی- داده میشد ، در هند حالش بتباهی گرائید و اندک اندک بمعنی شیطان درآمد . حال اینکه واژه (دیو) جاگزین آن شد و بمعنی خدا درآمد . برعکس آن در ایران ، واژه اهوره جزئی از نام خدای بزرگ (اهوره مزدا) شده ، و (دیو) معنی شیطان را یافته است (نگارنده کردی)

د - ایشان (۱) شرابیرا که در آویستائی (هومای Haoma) و در (ویدائی) سومه Some (۲) مینامیدند و سرمستی و جاویدانی میبخشید به پاکیزگی میستودند.
ه - روان مردگان را بزرگ داشته میستودند .

۳- دین ایران باستان :

هنگامی که ایرانیان از هندیان جدا شدند و هندیان بسوی جنوب مهاجرت کردند و از رشته کوههای (همالایا) گذشته بسوی (پنجاب) (۳) رو آوردند و ایرانیان بقلات ایران آمدند، در آن هنگام ایرانیان بی گمان پیرو همان (دین) بودند که هندیان از آن پیروی میکردند (چنانکه پیشتر از آن یاد شد) ، ولی این دین در ایران صورت نخستین خویش را از دست داده و اندک اندک دگرگونیهای بآن راه یافته بود (۴) . بزرگترین و مهمترین این تغییرات و اصلاحاتی بود که زردشت در آن بعمل آورده بود :

۱- دین زردشتی

زردشت اهورامزدا را (که قبل از بعثت او در برخی از کشورهای ایران خدای اعظم و برتر از همه خدایان بود) ، خدای یگانه ، نیکوکار ، آفریننده زمین و آسمان ... انکاشت و پرستش گروه دیگر خدایان آریائی مانند : (اهورهها) .

دیوها و شراب هومه و غیره .. را ملنی ساخت . و نیز پرستش روان مرده ها را بیهوده شمرد ...

ولی ، نیروهایی که خدایان ، مالک آن بودند : اگر نیکوکاری و سود بخشی بود . آنها را به (اهورامزدا) یا فرشته گانش نسبت میدادند . و اگر بدکاری و زیان دهی بود ، از روان هائی بدو پلید بشمار میآمد ...

واژه (دئیوه) - که تا آن روزگار بمعنی خدا بود - دگرگون شد ، و بتباهی گرائید ، و بصورت نام برای روانهای پلید و ناپاک شیطان درآمد . سپس در نزد پیروان (زردشت) بشیطان مبدل شد ... از این رو دین زردشتی دین یکتا پرستی بود .

فلسفه دین زردشتی (۵) :

در آغاز آفرینش و پیدایش هستی دو گوهر همزاد پدید آمده : یکی نامزد به (سپینته مینو) (Spenteminyu) یعنی روان پاک نیکوکار ، و آن دگر به (انگرمینو Angta Mainyu) یعنی روان تیره بدکار . این دو روان بهم پیوسته اند و هرگز از یکدیگر جدا نمیشوند ، - و همین دو نیروند که زندگی و مرگ را پدید میآورند و تاپایان گیتی در مبارزه میباشند لیک برتر از این دو روان ، نیروئی است و آن اهورامزداست که (خدای یگانه بزرگ) ، پروردگار نیکوکار است .

۱- هند و ایرانیان .

۲- آیا احتمال دارد (سمنوئی) که بهنگام عید نوروز در کردستان می پزند ، نشانی از آن دین باشد ؟ و دلالت بر (سومه) کند که گیاهی بود که مردمان آن را گسرد آورده و فشرده و شیره او را نوشیده و مستی میداد ، و آن از عادات دینی بود ؟ (نگارنده کردی) (بی گمان «سمنو» همان (هومه) است که آنرا (هوم المجوس) میگفتند و نوشایه فرح افزا بود که بخدایان خود نذر میکردند تا ایشان را قوی دل ساخته ؛ حس جنگجویی را در آنان برانگیزد .

۳- جائی ، در بخش شمال باختری هندوستان .

۴- اگر دگرگونیهای در هندوستان باین دین راد یافته باشد ، مقدار این دگرگونیها در ایران بیشتر بوده است .

۵- برای تفصیل این موضوع . رجوع شود به گاتاها : بخش نخست ص ۱۸ پاورقی پست ۳۰ .

این دوران طبق طرحی که آهورمزدا برای ایشان فراهم آورده ، درانجام کارهای خویش درجهان مختارند بی آنکه (اهورامزدا) توجهی بکارشان داشته باشد یا ایشان را زیر نظر گیرد .

روان بد ، راه پلیدی ، نیستی ، گمراهی ، و نادرستی را پیش گرفته است .
روان پاک ، راه درستی ، و راستی را پیش گرفته است .

درانجام روان بد مبارزه را میبازد ؛ و درنبرد بهلاکت میرسد . سپس آهورامزدا خود همه کارهای جهان را زبردست خواهد گرفت . آنگاه وی از کسانی راضی خواهد شد که راه راستی و درستی را درپیش گرفته وبا سلاح (اندیشه نیک ؛ گفتار نیک ؛ کردار نیک) با گمراهیها و وناپاکیها و دروغ درستیز میباشند ؛ و ایشان را بهشت (فردوس) پاداش میدهد ؛ و کسانی را که با ناراستی و دروغکاری گرویده باشند بدوزخ کیفر میدهد .

دین زردشتی ترسیم آبدۀ و پیکروانهای پاکیزه و بد را نهی میکند و نیز در این دین برای ساختن کنشتها و بتخانهها و دبرها . آئین و روشی گذاشته نشده است (۱) . علاوه بر آنچه گفته شد دین زردشت ؛ **کشتار جاندارها را بنام قربانی** ؛ و نوشیدن شراب را ، هر دو بصورت قطعی ناروا و حرام دانسته (۲) .

زردشت ؛ همه آتهائی را که از کیش اوبیروی نکرده اند . (دئیوه یسنه) (دیوبندگان ؛ شیطان بندگان) خوانده است . این نام هر چند در آغاز امر ؛ در نزد دیوپرستان (که کیش و آئین گذشته خود را نگه میداشتند) معنی زشتی نمیداد ؛ لکن سپس بحسب دستورهای آویستا معنی شیطان را میرسانید . پس از آن پیروان زردشت ؛ مخالفین خود را که نیروهای سرشتی (قوای طبیعی) را میپرستیدند ؛ (دیوبنده ؛ شیطان پرست) مینامیدند .

گوهر و فلسفه دگرگوئیها و اصلاحاتیرا که زردشت ؛ در دینهای باستانی بعمل آورده است ، در گاتاها که نخستین قسمت آویستا میباشد میتوانیم یافت .
ناتمام

۱- متاسفانه . نگارنده کردی بمانند گفتار خود اشاره نکرده ، که ما در اینجا عبارت اصلی را یافته و نقل بکنیم . زانسب ما آن بخش از نص گفتار (هرودوت) را نقل میکنیم که تعلق پارسیان دارد ؛ نه بدین زردشت ؛ میگوید ؛ (پارسیان عادت ندارند که برای خدایان مجسمه برپا کنند و یا معبد و قربانگاهی بسازند . برعکس ؛ آنها کسانی را که چنین کنند بدیوانگی متهم میکنند ، و علت بنظر من آن است که ، آنها هرگز مانند یونانیان خصوصیات بشری برای خدایان قائل نبودند) (ج ۱ ص ۱۳۱ نص فارسی از ترجمه دکتر هادی هدایتی ج ۱ ص ۲۱۵) . (ج . ر .)

۲- قربانی کردن جانداران ؛ نزد پارسیان روا بوده . هرودوت میگوید ؛ پارسیان در موقع اهداء قربانی ؛ نه قربانگاه بنا میکنند و نه آتش روشن میکنند ... وقتی يك نفر از اهل پارس ؛ بیکی از خدایان قربانی اهداء میکند ؛ حیوان را بمحل پاک هدایت میکند ... الخ (ج ۱ ص ۱) ترجمه دکتر هادی هدایتی) . ، این عادت تاکنون نزد ایل (کاکائی) کرد باقی مانده است .

اما گوشت خوردن نیز در دین زردشتی حرام نبوده ؛ بلکه ستوده شده ؛ لکن چون نگارنده کردی ؛ اشاره بمانند خود نکرده بود ، ما گفتارهای زیر را از ماناخذ زردشتی نقل میکنیم ؛ (بدرستی بتو گویم ؛ مرد زن گرفته را برتری میدهم - ای سپیتمان زردشت ۱ - بآن کس که زن نگرفته زندگی کند ؛ آن خان و مان دارنده را بآن کس که خان و مان ندارد ؛ کسی را که فرزند دارد بآن کس که بی فرزند است ؛ توانگر را بآن درویش ... و از دو مرد آنکه شکم بگوشت انباشته ؛ منش پاک بهتر یافته تا آن کس که اینچنین نه کرده .) (یادداشتهای گاتاها ی پورداوود ج ۱ ص ۱۴۶/۲ و ندیداد) پاره های (۴۷-۴۸) فرگردو) مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد آوستای دارمستتر ترجمه دکتر موسی جوان ص ۱۱۰ فصل چهارم پاره های (۴۷-۴۸) (ج . ر .)